

# کیفیت نزول وحی و ثبت آثار مبارکه

دکتر وحید رافتی

موضوع « کیفیت نزول وحی و ثبت آثار مبارکه » موضوع بسیار اساسی و گسترده ای است که شرح و بسط دقیق همه جنبه های آن تحقیقات و مطالعاتی بسیار وسیع را ایجاب می نماید . چون در طی يك مقاله نمیتوان به مطالعه همه جنبه های این موضوع پرداخت . بعد از درج مقدمه ای کوتاه فقط رئوس چند مطلب اساسی را که از اهمیت بیشتر برخوردار است مندرج میسازد و درباره هر يك از آنها به اختصار و با استناد به منتخباتی از آثار مبارکه بهائی نکاتی عمده را مطرح می نماید به این امید که هر يك از این نکات در مقالات و مطالعات دیگر مورد بررسی و تحقیق مشروح و مستند قرار گیرد .

## مقدمه

کلمه وحی به معنی « اشارت » و « کتابت » است یعنی مطلب و پیامی که شخصی به دیگری حضوراً القاء میکند یا فی المثل از طریق نامه و مکتوب ارسال میدارد . سخن پوشیده و کلام خفی را نیز وحی خوانده اند . در اصطلاح دینی وحی عبارت از کلام و پیام الهی است ولی علاوه بر این معانی هر چه خداوند بر پیغمبران خود القاء یانازل نماید نیز عبارت از وحی دانسته شده است . در این مفهوم وحی شامل اشارت ، دلالت و فرمان الهی میشود . کلمه وحی و مشتقات آن در آیات متعدّد قرآن مجید مذکور شده و بنا بر مطالعات علمای مسلمان در مواضع مختلف معانی و مفاهیم خاصی را افاده نموده است .

مفهوم عام کلمه وحی عبارت از آیات و کلماتی است که جبرئیل از جانب خداوند بر انبیاء نازل نموده است . در این مفهوم در آیه ۱۶۳ سوره نساء چنین آمده است که « انا و احینا لیک کما و احینا الی نوح و النبیین من بعده » . همین مفهوم را در آیه ۱۶۰ سوره اعراف نیز میتوان ملاحظه نمود که میفرماید : « و اوحینا الی موسی اذا استسقیه قومه ... » . مفهوم دیگر کلمه وحی ، مرادف الهام قلبی است و هر کسی ممکن است مشمول آن شود چنانچه در آیه ۷ سوره قصص چنین آمده است که « و اوحینا الی ام موسی » و در آیه ۱۱۱ سوره مائده چنین مذکور شده که « و اذا و احیت الی الخواریین » . در این مفهوم به نص قرآن زنبور غسل نیز محل الهام قرار گرفته است آنجا که در آیه ۶۸ سوره نحل میفرماید : « و اوحی ربک الی النحل » . چنانچه گذشت کلمه وحی به معنی و مفهوم کتاب و کتابت و رمز و اشارت آمده است ، چنانچه آیه ۱۱ سوره مریم رابه این مفاهیم گرفته اند که فرمود : « فخرج علی قومه من المحراب فاوحی الیهم ان سبحوا بکرة و عشیا » .

کلمه وحی به معنی « امر » یعنی فرمان الهی نیز هست . مثلاً در آیه ۱۲ سوره فصلت میفرماید : « و اوحی فی کل سماء امرها » یعنی به هر آسمانی امر فرمود و در آیه ۱۱۲ سوره انعام چنین مذکور شده است

که « شیاطین الاتس والجن یوحی بعضهم الی بعض ». بالاخره معنی دیگری که برای کلمه وحی در نظر گرفته شده « قول » یا « گفتار » است چنانچه در آیه ۴ و ۵ سورة زلزله چنین میفرماید : « یومئذ تحدث اخبارها بان ربک اوحی لها ». یعنی در آن روز زمین اخبار خود را که گوئی خداوند آن را بیان فرموده حکایت خواهد کرد .

اعتقاد عامه مسلمین آن است که قرآن به وحی الهی نازل گشته است ، یعنی آنچه از فم جبرئیل به سمع رسول الله رسیده قرآن را تشکیل میدهد . وحی قرآنی را « وحی متلو » مینامند چه در مقابل آن اشاراتی از ملائکه برسول الله رسیده و یا اموری در اثر نور نبوت و یا وحی قلبی یا الهام الهی بر آن حضرت واضح و ظاهر شده که « وحی غیر متلو » را شامل میشود .

غیر از مجاری فوق که از طریق آنها آیات و کلمات و اشارات الهی به رسول الله رسیده ، علمای اسلامی به نوعی وحی باطنی نیز در حق رسول خدا قائل شده اند و آن عبارت است از حقائق و اموری است که حضرت رسول با تفکر و تعقل منطقی بر آنها دست یافته اند . اما کلام منزل در قرآن کریم خالی از تخلیات این نوع وحی است .

کلمه وحی در آثار مبارکه بهائی به وفور مذکور شده و مطالعه جامع همه مفاهیم و معانی آن در این مقاله میسر نیست . اما از موارد معدودی که این کلمه مثلاً در کتاب مستطاب اقدس مذکور شده چنین میتوان استنباط نمود که مظهر امر الهی خود را « مطلع وحی » و « مشرق وحی » خوانده و آثار خود را نازل از « قلم وحی » دانسته است . اصطلاح « سماء الوحی » که چهار مرتبه در کتاب مستطاب اقدس مذکور شده حکایت از علویت و ارتفاع کلام وحی میکند ، چه لفظ « سماء » در مقابل « ارض » نشان از علویت ، وسعت ، پاکی ، لطافت و مفاهیمی از این قبیل دارد . (۱)

در آثار جمال قدم کلمات « وحی » و « الهام » گاهی به صورت مرادف به کار رفته است چنانچه در دو عبارت زیر مشکل بتوان تمایز و تفاوتی واضح بین این دو اصطلاح در نظر گرفت . حضرت بهاء الله میفرماید : « ... ان اذکر الله بالروح والريحان والحدیة التي نزلناها من سماء الوحی والالهام ... » (۲) و در اثری دیگر میفرماید : « ... یا عندلیب قد خلقنا النفوس لنصرة امرنا ولكن اكثرهم نصروا اعدائنا باعمال ناحت بها جنود الوحی والالهام ... » . (۳)

اما در یکی از آثار حضرت عبدالهء تفاوت بین وحی و الهام به دقت معلوم شده و حدود هر یک تعیین گردیده است . حضرت عبدالهء در لوح جناب آقا میرزا حسین و رقا چنین میفرماید :

« در خصوص وحی مرقوم نموده بودید ائمه اطهار مطالع الهام بودند و مظاهر فیض حضرت رحمن وحی اختصاص به حضرت رسول داشت لهذا کلام ائمه اطهار را کلام الهی نگوئیم بلکه به الهام ربانی دانیم ... » . (۴)

### نفس ظهور و نزول آیات

اثرات تجلی وحی یا کلمه الله بر مظاهر مقدسه به صور گوناگون در عالم خلق به منصف ظهور میرسد . از جمله مظاهر امر با آیات آفاقیه و انفسیه ظاهر میگردد و نیز تجلیات وحی را با نزول آیات منزله که به الحان و صور مختلفه عز نزول می یابد در عالم ناسوت منعکس میسازند . حجت و حقیقت هر ظهور در وهله اولی در نفس ظهور و صفات و کمالات و شئون ناشی از آن نهفته است و تجلیات وحی به صور آیات منزله به منزله ارائه طریق برای شناخت کمالات و کیفیات مودعه در نفس ظهور است . بر این مطلب دقیق آیات متعدده نازل از قلم جمال اقدس ابهی شهادت میدهد . از جمله در لوحی چنین میفرماید :

« اما سمعت بان حجتی ذاتی و برهانی نفسی و دلیلی ظهوری و ماجری من قلمی سبیلی لعرفانی ... حجتم ظهورات قدرتیّه ام بوده که احاطه فرموده کل من فی السموات و الارض را و آیات را سبیلی از برای عرفان قرار دادم فضلاً من لدنا علی العالمین » . (۵)

و در لوح اشرف چنین میفرمایند:

« ... قل أن دليله نفسه ثم ظهوره ومن يعجز عن عرفانها جعل الدليل له آياته وهذا من فضله

على العالمين ... » . (۶)

و در لوح نصیر میفرماید :

« آنان که بر مقرر اعرافوا الله بالله ساکنند ویرمکن قدس لایعرف بما سواه جالس حق را بنفس او و  
مبایظهر من عنده ادراك نمایند اگرچه کُل من فی السموات والارض از آیات محکمه و کلمات متقنه  
مملو شود اعتنان نمایند و تمسک نجویند چه که تمسک بکلمات وقتی جایز که منزل آن مشهود نباشد  
فتعالی من هذا الجمال الذي نوره العالمين ... » . (۷)

و نیز در سوره اصحاب چنین میفرماید :

« ... قل تالله الحق لم يكن الفخر في تنزيل الآيات وامثالها بل الفخر في ظهوري بين السموات و  
الارض وبين هولاء من أمم المختلفه ان انتم من اصحاب العين ... » . (۸)

و در اثری دیگر میفرماید :

« ... والذي جعل الله بصره حديداً يعرفه بنفسه ويظهره بين السموات والارضين . والذي عجز  
عن نفسه بنفسه جعل الآيات له دليلاً لئلا يجعل محروماً عن شمس العرفان في أيام ربه ويتم حجتة  
على العباد وهذا من فضله عليهم يشكره ويكونن من الشاكرين ... » . (۹)

دقت در این قبیل نصوص هادی افکار به این اصل اساسی است که حقایق مظاهر مقدسه در تجلی  
کلمه الله در آنان است که در نتیجه آیات تدوینی و اعلام و آثار تکوینی را از آنان به منصف ظهور میرساند . تجلی  
کلمه الله که در مظاهر مقدسه به عالم شهود میرسد از جمله به صور آیات والواح و آثاری است که از قلم اعلائی  
مظهر امر عز نزول میسپارد . ظهور کلمه الله در عالم ناسوت یابه بیان دیگر بعثت مظاهر مقدسه در عالم از  
عجیبترین ، شریفترین ، موثرترین و پایدارترین پدیده هائی است که میتوان در عالم انسانی تصور نمود .  
بر اساس وصفی که از کیفیات و شئون کلمه الله در آثار مبارکه بهائی آمده کلمه الله جامع جمیع قوائی  
است که به تناسب استعدادات و کمالات موجود در حقائق اشیا آنها را از عالم کمون و قوه به نشئه ظهور و فعل  
میکشاند و یان که خود حقیقت واحده است ظهور طبایع و عناصر مختلفه متضاده را سبب میگردد . کلمه الله به  
مثابه ناراست : افنده اهل حقیقت رامشعل میسازد حجاب غفلت و کفر و اعراض رامیسوزاند . کلمه الله به  
مثابه آب است : حیات می بخشد ، سرسبزی می آفریند و شعله ظلم و جنگ و نفاق رامی افسرد . کلمه الله به  
مثابه باد است : هم چون نسیم بهاری عامل باروری اشجار وجود میگردد و هم چون باد خزانی زردی و  
خشکیدگی رابه دنیال می آورد . کلمه الله به منزله سیف است : میبرد ، میکشد و مضمحل می سازد .  
کلمه الله به منزله شیراست : اطفال روزگار را تغذیه میکند و به بلوغ می رساند . کلمه الله به منزله شمس است :  
به عالم وجود گرمی و حرارت میدهد ، حقائق مستور رابه نور خود بر ملامی سازد و تربیت اهل دیار معانی رابهده  
میگیرد . کلمه الله به منزله حیل است : در دریای پرتلاطم حیات آن کس را که به او پیوست از خطر هلاک نجات  
میدهد و به ساحل امن و امان رهنمون میگردد .

کلمه الله همان سدره المنتهی است . خلق حیران و بی پناه چون به اورسند امیدها آرزوهای خود را در آن تحقق  
یافته بینند و در سایه آن از حرمان بیاسایند . کلمه الله همان مسجد اقصی است که اهل ایمان آن رامطاف  
خود دانند و وصول به آن را غایت مجاهدت خویش در حیات عنصری شمردند . کلمه الله همان قمیص یوسف  
مصر الهی و گل خوشبوی رضوان خداوندی است که صاحبان شامه روحانی رابه مصرهدایت الهیه و گلستان  
همیشه سرسبز معرفت ربانیه دلالت می نماید . کلمه الله « اکسیر اعظم » و « درع اعظم » است و بنا به  
فرموده جمالقدم « عالم را کلمه مسخر نموده و مینماید اوست مفتاح اعظم در عالم ... بحری است دارا و جامع هر  
چه ادراک شود از او ظاهر گردد ... » . (۱۰) خلاصه القول کلمه الله جامع جمیع کمالات و فضائل عالم وجود است .

مبدأ حرکت است ، هادی طریق است ، شناخت آن هدف است و در عین حال هدف انسان را در مژگن قرون و اعصار تعیین میکند . چون در هر دوری تجلی تازه یا بدهمه ذرات وجود را به خدمت میگیرد تا کمالات خود را در همه شئون و جمیع عوالم حیات ظاهر و علنی سازد . در اثبات عظمت و سطوت و قدرت کلمه الله همین بس که جمال مختار میفرماید : « جمیع عالم قادر بر تحدید فیوضات یک کلمه از کلمات حق و یک حرف از آثار قلم اعلی نبوده نیست ... » (۱۱) و در بیانی دیگر میفرماید : « هو الباقی . کلام الله ولو انحصرت کلمة لاتعادلها کتب العالمین ... » (۱۲)

### آغاز نزول وحی

معارف بهائی چنین تعلیم میدهد که مظاهر مقدسه الهیه ازینطن ام دارای کمالات روحانیه و متصف به صفات الهیه اند و آنچه از آن به «بعث» و «اظهار امر» تعبیر میشود در حقیقت تجلی صوری آن مقام معنوی در عالم ظاهر است . حضرت عبدالبهاء به صراحت بیان میفرماید که « مظاهر مقدسه لم یزل حقائق نورانیه بوده هستند تغییر و تبدلی در ذات آنها حاصل نگردد نهایت آن است که قبل از ظهور چون ساکن و صامت مانند نائمند و بعد از ظهور ناطق و شارق مانند بیدار . » (۱۳)

آنچه از آغاز نزول وحی بر جمال قدم میدانیم از نفس آثار آن حضرت مایه میگیرد ، اما آثاری که در شرح کیفیت نزول وحی عز نزول یافته معدود و سالها بعد از شروع وحی از قلم آن حضرت صادر شده است . از جمله در لوح مبارکی که به اعزاز « جناب مشهدی علی علیه بهاء الله » عز نزول یافته چنین میفرماید :

« ... این مظلوم در طفولیت در کتابی که نسبتش به مرحوم مغفور ملاً باقر مجلسی بوده غزوه اهل قریظه را مشاهده نمود (۱۴) و از آن حین مهموم و محزون بود ه بشأنی که قلم از ذکرش عاجز اگر چه آنچه واقع شده امر الله بوده و مقصودی جز قطع دبر ظالمین نبوده و لکن چون دریای عفو و فضل بیکران مشاهده میشد لذا در آن ایام از حق حل جلاله می طلبید آنچه را که سبب محبت و الفت و اتحاد کل من علی الارض بوده تا آنکه بقتۀ در دوم ماه مولود قبل از طلوع جمیع اطوار و ذکرو فکر منقلب شد انقلابی که بشارت عروج میداد این انقلاب تا دوازده یوم متتابع و متوالی نازل و ظاهر بعد امواج بحر بیان مشهود و تجلیات نیر اطمینان مشرق و موجودالی ان انتهی الامرالی حین الظهور اذاً فزت بما جعله الله مبدأ فرح العالمین و مشرق العطاء لمن فی السموات و الارضین و بعد از قلم اعلی آنچه سبب زحمت و مشقت و اختلاف بود به امر مبرم محتوم برداشتیم و آنچه علت اتفاق و اتحاد جاری و نازل ... » (۱۵)

اشاره حضرت بهاء الله به « دوم ماه مولود » به ظن قوی اشاره به دوم محرم سنه ۱۲۶۹ هجری قمری (۱۸۵۲ م) است که جمال قدم در سجن سیاه چال طهران محبوس بودند و بر حسب تواریخ بهائی او کین تجلیات وحی الهی در آن ایام آغاز گردید. (۱۶) جمال قدم خود در لوح شیخ نجفی اصفهانی که در سال ۱۳۰۸ هجری قمری (۱۸۹۱ م) یعنی حدود چهل سال بعد از واقعه سیاه چال عز نزول یافته . درباره نزول وحی در ایام اقامت در آن سجن چنین میفرماید :

« ... در ایام و لیالی در سجن مذکور در اعمال و احوال و حرکات حزب بابی تفکر مینمودیم که مع علو سمو و ادراک آن حزب آیا چه شده که از ایشان چنین عملی ظاهر یعنی جسارت و حرکت آن حزب نسبت بذات شاهانه و بعد این مظلوم اراده نمود که بعد از خروج از سجن بتمام همت در تهذیب آن نفوس قیام نماید و در شبی از شهبا در عالم روزیا از جمیع جهات این کلمه علیاً صفاً شد انا نصصرک یک و یقلمک لا تحزن عما ورد علیک و لاتخف انک من الامنین سوف یبعث الله کنوز الارض وهم رجال ینصرونک یک و یاسمک الذی به احیا الله افئدة العارفين ... و در ایام توقف در سجن ارض طا اگر چه نوم از زحمت سلاسل و روائع منتنه قلیل بود و لکن بعضی از اوقات که دست میداد احساس

میشد از جهت اعلاى رأس چیزی بر صدر میریخت بمثابة رودخانه عظیمی که از قلّه جبل باذخ رفیعی برارض بریزد و یان جهت از جمیع اعضاء آثارنا رظاهر و در آن حین لسان قرأت مینمود آنچه را که بر اعضاء آن احدی قادر نه ...» (۱۷۰)

### کیفیت نزول وحی

وحی و کیفیت نزول آن بر مظهر امر الهی از جمله نکاتی است که حقیقت و واقعیت آن بر افراد بشر مجهول خواهد ماند چه نزول وحی با جنبه الهی مظاهر امر در ارتباط است و فهمی که انسان از جنبه الهی مظاهر امر دارد محدود به فهم ناقص انسان و محاط به شرائط عالم مادی است. باوصف این در آثارنا زله از قلم جمال اقدس ابهی اشارات و توضیحاتی ملاحظه میشود که اثرات و کیفیت نزول وحی را تا حدودی برملا می سازد. از جمله در لوحی که خطاب به جناب طبیب عز نزول یافته چنین آمده است:

«... صعدت الى المقر الاعلى و قمت لدى العرش اذا خاطبني المقصود و نزلت آيات اخرى على سرعة كالسيل النازل عن الجبال او كالبرق الظاهر من الغمام بل اسرع ايضاً عجزت عن تحريرها لعمر كسكر خمر الآيات اخذني على شأن منعت اناملني عن الحركة و قلبني عن التفقه ما نزل من جبروت بيان ربنا العليم الخبير كاني صرت قطعة من النار و كنت ناظراً الى شطر العرش نظراً من بات في حيرة تعالى ربنا القيوم الذي ظهر بسلطان ما عرفه الا نفسه العزيز المحبوب» (۱۸۰)

و در وصف هیجانان روحی ناشی از نزول وحی در آغاز اثری دیگر از جمالقدم آمده است:

«انا كنا ماشياً في سجن عكاً منقطعاً عما خلق في الانشاء و ناطقاً بذكر مالكا لاسماء اذا امرت ان اذكرك بما نمت به حجة الله على ماسواه و ظهر برهانه لمن في الارضين و السموات فلما اتى الامر المبرم من لدن مالك القدم ارتعدت اركانتي من خشية الله المهيمن المقتدر العزيز العلام و اخذني البكاء على شأن ناحت به الاشياء و صاحت مطالع الاسماء بما ارى الناس معرضين عن الذي به زينت الزبر و الالواح ...» (۱۹۰)

و نیز جمالقدم در لوحی دیگر چنین میفرماید:

«... ای رب تری حین الوحی یتحرك قلمی و ترتعش ارکانی ...» (۲۰۰)

### صور تجلی وحی

بر اساس تصریحات موجود در آثار جمالقدم وحی الهی به صور مختلف تجلی یافته است. شرح کیفیت و صور تجلی وحی در آثار جمالقدم درهاله ای از استعاره و کنایه مستورمانده و حقائق مربوط به این تجربه روحانی در قوالبی محسوس بیان گردیده است. از جمله در آثار حضرت بهاء الله تجلیات وحی به صور «حوریه»، «روح الامین» و «روح البهاء» آمده است. مثلاً در سوره هیكل کیفیت لحظات و دقائق نزول وحی با این بیانات توصیف گردیده است:

«... فلما رأيت نفسي على قطب البلاء سمعت الصوت الابدع الاحلى من فوق رأسي فلما توجهت شاهدت حورية ذكرا سم ربي معلقة في الهوام حاذي الرأس و رأيت انها مستبشرة في نفسها كأن طراز الرضوان يظهر من وجهها و نصرته الرحمن تعلن من خدها و كانت تنطق بين السموات و الارض بنداء تنجذب منه الافئدة و العقول و تيشركل الجوارح من ظاهري و باطني ببشارة استبشرت بهانفسى و استفرست منها عباد مكرمون و اشارت باصبعها الى رأسي و خاطبت من في السموات و الارض تالكة هذا لمحوب العالمين ولكن انتم لاتفقهون ...» (۲۱۰)

از این قبیل نصوص که در آثار حضرت بهاء الله بسیار بچشم میخورد، چنین پیداست که نزول وحی الهی

را به نوع تشبیه و تخییل به «حوریه الهی» و «حوریه معانی» و «حوریه بهاء» و «حوریه نورا» بیان فرموده اند که در عرفات کلمات محبوب و مستورند و در اثر نزول وحی نقاب از چهره می گشایند و عرض جمال میکنند. ملاحظه نصوص عدیده ای که جناب فاضل مازندرانی از آثار جمالقدم استخراج و در صفحات ۱۳۳ تا ۱۳۸ کتاب اسرار الآثار جلد سوم به طبع رسانده اند شارح مفاهیم عرفانی فوق العاده دلکش اصطلاح «حوریه» در آثار مبارکه حضرت بهاء الله است. ملاحظه لوح مبارک حضرت بهاء الله در شرح عرفانی تجلی «حورمعانی» که در مجموعه الواح مبارکه (ص ۲۷۲ - ۲۷۴) به طبع رسیده نیز مایه حصول بصیرت و انجذاب و فیراست. صور تجلی وحی به صورت «روح القدس» و «جبرئیل» نیز در آثار مبارکه بهائی آمده است. مطابق نص بیان حضرت عبدالهیه در لوح جناب شکوهی شیرازی «... روح الامین و جبرئیل و روح القدس و شدید القوی عبارت از عنوانات شئی واحد است...» (۲۲)

بنابر شرح حضرت عبدالهیه در کتاب مفاوضات «... روح القدس واسطه بین حق و خلق است مثل آئینه است مقابل آفتاب چگونه آئینه مقدس اقتباس انوار از آفتاب کند و به دیگران فیض رساند به همچنین روح القدس واسطه انوار تقدیس است که از شمس حقیقت به حقائق مقدسه رساند و او متصف به جمیع کمالات الهیه است هر وقت ظهور کند عالم تجدید گردد و دوره جدید تأسیس شود...» (۲۳)

اما درباره جبرئیل در لوحی از جمالقدم چنین آمده است:

«... و اما ما سألت من الجبریل اذا جبریل قام لدى الوجه ويقول يا ايها السائل فاعلم اذا تكلم لسان الاحديه بكلمة العلييا يا جبریل ترانی موجوداً علی احسن الصور فی ظاهر الظاهر...» (۲۴)

## کثرت آثار

تجلیات وحی که از اظهار امر جمال قدم در طهران (۱۲۶۹ هـ ق / ۱۸۵۲ م) آغاز و تا صعود آن حضرت به سال ۱۳۰۹ هـ ق / ۱۸۹۲ یعنی به مدت چهل سال ادامه یافته از صد جلد متجاوز است. این آثار که در شرائط تاریخی و جغرافیائی مختلف عز صدور یافته از نظر حجم از چند سطر تا چندین صد صفحه را بخود اختصاص داده و صدها مطلب مختلف را به زبان فارسی و عربی در خود جای داده است. تقسیماتی که برای این آثار میتوان در نظر گرفت به اجمال در مقاله جداگانه ای که تحت عنوان «طبقه بندی آثار مبارکه حضرت بهاء الله» در این کتاب به طبع رسیده شرح گردیده است.

حضرت ولی امر الله در کتاب قرن بدیع به نقل از شاهدان عینی درباره کثرت و وسعت آثار نازله در ایام بغداد چنین مرقوم فرموده اند:

«... یکی از خصوصیات و افتخارات آن ایام یعنی ایام مراجعت از سلیمانیة نزول صحف و الواح از قلم جمال مختار بود. آیات بفرموده مبارک چون «غیث هاطل» در لیلی و ایام از سماء رحمت مالک انام نازل میگردد و خطب و رسائل و تفاسیر و قصائد و ادعیه و مناجات و اشارات و بشارات کل بر تحسین اخلاق و تهذیب افکار و تشویق و ترغیب حزب باهی بخدمت امر الله صادر میشد و بشرحی که نبیل که خود در آن اوان در مدینه الله در محضر مبارک مشرف بوده مینویسد «در طی دوسال اول مراجعت مبارک در هر شبانه روز معادل تمام قرآن از لسان قدم آیات و الواح نازل میگردد که سواد نمی شد و آنچه که بخط مبارک تحریر میگشت و یاد رحین نزول امر بکتابت میفرمودند از لحاظ وسعت مطالب و تنوع مسائل و عظمت بیان غیر قابل تصور بود. متأسفانه مقدار کثیری بل قسمت اعظم این آثار مقدسه متعالیه از دست رفته و جامعه بشریت از آن کنوز ثمینه الهیه محروم مانده است.» باز نبیل از قول میرزا آقاخان که در آن اوقات کاتب وحی بوده مینویسد «صدها هزار بیت که از سماء مشیت رب البینات نازل و اغلب بخط مبارک تحریر یافته بود حسب الامر در شط زورا ریخته شد

ومحو گردید « میرزا آقا جان میگوید چون حضرت بهاء الله مشاهده میفرمودند که این عبد در اجرای دستور مبارک در ریختن آثار در شطّ دچار تردّد و تحیرم موکداً فرمودند « بریز در این احیان احدی لایق اصفاء این نغمات نه » (ترجمه) و این کیفیت مخصوص یکبار و دوبار نبود بلکه بگرات و مرآت امر ریختن اوراق در شطّ میفرمودند .

محمد کریم از اهل شیراز که خود شاهد و ناظر نزول آیات از قلم مبارک حضرت اعلی بوده و امواج آن بحر موج را برای العین مشاهده نموده است پس از تشرّف به محضر آنور حضرت بهاء الله و ملاحظه صدور الواح از کلك اطهر اظهار داشته ( شهادت میدهم که آثار صادره از براعة عظمت حضرت بهاء الله از لحاظ سرعت نزول و سلاست بیان و طلاقت تبیان و بسط حقایق و مضامین اعلی و اجل از بیاناتی است که از قلم ملهم حضرت ربّ اعلی جاری شده و من خود در حضور مبارک شاهد نزول آن بوده ام و اگر چنانچه حضرت بهاء الله را برای اثبات عظمت و قدرت وجود اقدسش دلیل و برهان دیگری موجود نبود نفس ظهور چنین الواح و آثار عظیمه عالم و عالمیان را در اثبات حقانیت امر مبارکش حجت قاطع و برهان لامع است « . ( ۲۶ )

### امضاء و مهر

آثار و الواح اولیة جمالقدم با عبارات « المنزول من الحاقیل سین » یعنی « حسین » و با عبارات « من الباء والهاء » و « منزول من الباء والهاء » امضاء شده است . ( ۲۷ ) و حرف « باء » و « هاء » تشکیل دهنده کلمه « بهاء » است . گاهی نیز جمال قدم الواح خود را با ارقام « ۱۵۲ » اختتام بخشیده اند . اعداد « ۱۵۲ » از سمت راست به ترتیب نماینده ارزش عددی حروف « ب » و « هـ » و « الف » است که مجموع آنها کلمه « بهاء » را تشکیل میدهد .

بسیاری از الواح جمالقدم با مهر مخصوص نیز مجهور شده است . تعداد مهرهای حضرت بهاء الله تا آنجا که این عهد میدانند از ۲۰ عدد متجاوز است . فص بعضی از متداول ترین این مهرها بشرح ذیل است :

- ۱ - « لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده حسين على »
- ۲ - « لا اله الا الله الملك الحق المبين حسين على » ( ۲۸ )
- ۳ - « بهاء الله »
- ۴ - « دلیلی نفسی و برهانی امری و حجتی جمالی المنیر »
- ۵ - « السجن لله الواحد المختار »
- ۶ - « انه لبهاء الله لمن في ملكوت الامر والخلق ومصباح الهدى لمن في السموات والارضين »
- ۷ - « انا المظلوم المسجون الغريب الفريد »
- ۸ - « ولله ملكوت ملك البقاء والروح يعز من يشاء بعزته ويذل من يريد بقدرته ويعطى على من يشاء ما يشاء وانه شاء كما هو شاء لمن اراد وانه هو فعال لما يشاء وانه كان على كل شيئي مقتدرا قيوما »
- ۹ - « شهد الله لنفسه بنفسه بانني انا حي في الاقفاق الابهي واذا انطق من هذا الاقفاق في كل شيئي باني انا الله لا اله الا انا المقتدر المتعالى المهيمن العزيز البديع »
- ۱۰ - « قد اشرفت من افق القضا شمس رقم عليها من القلم الابهي السجن لمطلع الآيات الذى ظهر سلطان الله واقتداره لمن في السموات والارضين »
- ۱۱ - « يدعو ظاهرى باطنى وياطنى ظاهرى ليس فى الملك سوائى وانا الحق علام الغيوب »
- ۱۲ - « قد استقر جمال القدم على العرش الاعظم اذا نطق لسان العظمة والكبرياء عند سدرة المنتهى مخاطباً لمن فى الارض والسماء فو عظمتى وجمالى قد ظهر من كان فى ازل الازال مخفياً فى كنانة العزة و

الاجلال أنه لهو المحبوب قداتي لحيات العالمين «

۱۳- « حسین وعلی »

۱۴- « شهدالله أنه لاله الأ هو العزيز المحبوب »

۱۵- « قدشرق عن مشرق البقاء انوار الوجه لا اله الا هو أنه هو البهی الابهی »

۱۶- « حسینعلی عبده الراجی حسینعلی »

۱۷- « انئی انا وجه الله الاتور »

۱۸- « ینطق لسان الابهی فی ملکوت البدا الملك لله الفرد الواحد العلی الاعلی »

آنطورکه در کتاب مستطاب اقدس مذکور شده الواح الهیه به « طراز ختم فائق الاصباح » زینت یافته است . هرچند نص کتاب مستطاب اقدس بر حسب ظاهر در مورد بسیاری از الواح جمال قدم صادق است و این گونه الواح به مهری از امهار جمالقدم زینت یافته ولی هزاران اثر دیگر جمال قدم نیز در دست است که به صورت ظاهر فاقد مهر است ولی درصحت نزول آنها از قلم اعلاّی جمال اقدس ابهی ابداً جای شک و شبهه نیست . بنابراین چون بسیاری از الواح جمالقدم بدون مهر است چنین معلوم میشود که بیان مبارک نازل در کتاب اقدس را نباید صرفاً دالّ بر وجود مهر ظاهری بر همه الواح جمالقدم دانست بلکه مقصود از بیان مندرج در اقدس مستطاب که میفرماید « قدزینت اللواح بطراز ختم فائق الاصباح » (۲۹۱) تصریح به تمامیت و کمال و مراتب نفوذ و تأثیر جمیع این آثار است که البته بعضی از آنها به مهر ظاهری نیز زینت یافته است . شاهد بر این مدعا استفاده از اصطلاح « مختوم » در آثار دیگر جمال اقدس ابهی است . مثلاً در سوره البیان چنین میفرماید :

«... قل یاقوم هذه لصحيفة المختومة التي كانت مرقومة من اصبع القدس ومستورة

خلف حج الغیب وقد نزلت بالفضل من لدن مقتدر قدیم ... » (۳۰۰)

در این بیان مبارک واضح است که موضوع ختم لوح مبارک به مهر ظاهری مدنظر نبوده و بیان جمالقدم حکایت از عظمت و تمامیت اثر دارد که با استفاده از کلمات « مختومه » و « محتومه » ادای مطلب شده است .

## آیات الهی وقواعد قوم

آنچه از شواهد موجود در آثار مبارکه جمال قدم برمی آید حکایت از آن میکند که در اوائل ظهور جمال قدم حتی در دوره ادرنه بسیاری از آثار نازل پس از نزول به اطراف ارسال شده و فرصتی برای رجوع و ملاحظه مجدد آنها موجود نبوده است . در بعضی از این آثار که به فطره اصلیه عز نزول یافته مواردی موجود است که با قواعد و قوانین قوم در علوم صرفی و نحوی تطابق نداشته است . در موارد دیگر سیل خروشان آیات که از فم جمال قدم جاری میشده و گاهی از نزول هزار بیت در هر ساعت تجاوز میکرده (۳۱) تاب و توان دقت و صحت ضبط آیات را در کتاب وحی که از محدودیت های بشری مبری نبوده اند در هم میشکسته و بالاخره در سایر موارد سهر کتاب در تسوید و تنسیخ آثار مبارکه باعث دخول اغلاط در آثار مبارکه و حصول تفاوت بین نسخ مختلفه يك اثر گردیده است . (۳۲) مجموعه این عوامل بعضی از نفوس را بر آن داشته تا علل و عوامل اختلاف نسخ و چگونگی مغایرت آیات نازل را با قواعد قوم استفسار نمایند . در پاسخ به این استفسارات و شرح و بسط کیفیت نزول آثار مبارکه و ارتباط آنها با قواعد صرفی و نحوی متداول در بین ناس ، در آثار جمال قدم شروح متعدّد و مفصلی در دست است که مطالعه جزئیات همه آنها و آینده ایام و مطالعات مستقل دیگر موکول است اما از مطالعه چند فقره از این آثار مبارکه میتوان نکات عمده ذیل را استنتاج و در این مقام اجمالاً به آنها اشاره نمود :

اول - در آثار مبارکه حضرت بهاء الله کلمات و صیغی به کار رفته که علیرغم تباین آنها با قواعد معمول صرفی و نحوی ، شکل نزولی آنها مورد تأکید قرار گرفته است . در این باره در آثار جمالقدم تصریحات متعدّدی به عمل آمده که رئوس آنها به شرح زیر است :



الف - در موضعی که مطابق قوانین زبان عربی کلمه میباید مرفوع یا مجرور باشد ، ولی به صورت منصوب مذکور شده . عوامل ناصبه باید مقدر گرفته شود .

ب - در بعضی موارد که در غیاب ظاهری عوامل جرء کلمه مجرور شده باید حروف جر و یا کلمه مضاف مقدر گرفته شود .

ج - در بعضی از موارد افعالی برخلاف قواعد متداول به صورت لازم و یا متعدی ساخته شده است که هر چند قواعد افعال عربی رخصت آن را نمی دهد اما به قرینه این نوع افعال در آثار بهائی به کار رفته است . (۳۳)

دوم - در مواری دیگر که از ساحت اقدس آثاری مغایر قواعد قوم نازل شده و یا از عدم توجه و دقت کتبات سهویاتی در کتبات آثار راه یافته امر جمال قدم به نفوسی نظیر میرزا آقاخان خادم الله و غصن اکبر آن بوده است که آثار مزبور را مطابقه و موارد تغایر و تفاوت آنها را با نسخ موثقه و یا با قواعد متداوله تعیین نمایند . این امر مخصوصاً در هنگام طبع آثار که میباید نسخ موثق ملاک طبع واقع شود اهمیت مخصوص یافته است . آنچه از فحوای آثار جمال قدم برمی آید واضحاً و منحصراً از تصحیح ظاهری و لغوی آثار حکایت میکند و ابدأً دالّ بر اعمال تغییرات و تبدیلات در لحن مطالب و کیفیت عرضه و شرح مواضع نیست . جمال قدم خود به این نکته اشاره میفرماید که نظریه رعایت حکمت و نظریه حفظ و حراست نفوس و نظریه این که مجال اعتراض به صور ظاهریه آیات الهیه از معترضین سلب گردد امر به اعمال این گونه تغییرات فرموده اند . (۳۴)

ناگفته بر اهل تأمل و بصیرت واضح است که مقصد اصلی مظهر امر الهی جذب قلوب و افکار و تربیت نفوس انسانی و هدایت خلق به صراط مستقیم الهی است . در سبیل وصول به این اهداف غائی اگر صورت ظاهری آیات مانعی برای درک معانی و مفاهیم آنها شود طبیعتاً حکمت و مقصد الهی چنین ایجاب میکند که علل اعتراض و احتجاج ناس مرتفع گردد تا بهانه تباین ظواهر آیات الهی با قواعد قوم مانع از درک حقائق روحانیّه نگردد و مجال اعتراض و اعتراض باقی نماند . (۳۵) اتخاذ چنین شیوه ای در تطابق دادن آثار الهی بر قواعد بشری از مظاهر واضح «لطف» و «عنایت» الهی بر بندگان است ، چه مظهر امری که علوم او کین و آخرین در قبضه قدرت او اسیر است البتّه محتاج به آن نیست که کلام خود را در حد قواعد و قوانینی که ساخته اذهان و افکار بشری است محدود سازد یا خود را مکلف به نزول آثار بر وفق این علوم بداند اما مواردی که اراده مظهر امر به مراعات قواعد قوم تعلق گرفته نشان از فضل و عنایت او دارد تا افکار و اذهان ضعیفه بعضی از نفوس انسانی درگیر در تغایر و تفاوت جمله و عبارات منزل با قواعد قوم ، از درک واقعیاتی که در ورای الفاظ بودیعه نهاده شده محروم نماند .

برای اباطلاع این نکته نیز البته پوشیده نیست که مسئله تطابق آیات با قواعد قوم که به جنبه هائی از آن مختصراً اشاره گردید خاص آثار نازله از قلم جمال اقدس ابهی نیست چه این قبیل مطالب درباره همه کتب مقدسه قبل صادق بوده و محل بحث و فحص و ایراد و اعتراض علماء در طی قرون و اعصار قرار گرفته است . آنچه توجه دقیق به آن در غایت اهمیت است آن که در این ظهور صمدانی تغییراتی که در آثار نازله معمول شده و اقداماتی که جهت تطبیق دادن آنها با قواعد قوم مرعی گشته کل در زمان حیات شارع و با علم و اطلاع و تحت فرمان و نظارت مستقیم منزل آنها صورت گرفته و جزئیات امر بر طبق شواهد و دلایل مندرجه در آثار مبارکه نفس شارع ، با تأنید و تصویب صاحب امر قرین بوده است .

گذشته از این وجود دو مبین منصوص آیات الهی و معهدا علی که در مقام دور بهائی مرجع کل امور محسوب است حلّ و فصل مشاکل احتمالی و وابسته به این قبیل امور را بعهدہ داشته و خواهد داشت .

### صورتسوید و تحریر آثار جمال قدم

تجلیات وحی به صورت آیات منزله به سه نحو در آثار حضرت بهاء الله ملاحظه میگردد :

اول - به صورت آثاری که به خط جمال قدم عز نزول یافته است. (۴۶)

دوم - به صورت آثاری که از قلم جمال قدم صادر گشته و کتاب وحی آن را ثبت و سپس تسوید نموده اند. با توجه به این کیفیت دونوع خط در این گروه از آثار ملحوظ میگردد: خط تنزیل و خط تحریر. (۴۷) پس از نزول آثار و ثبت سریع آنها به خط تنزیل که غالباً وظیفه میرزا آقاخان خادم الله بوده کتاب از روی نسخه خط تنزیل به تحریر و تسوید آنها می پرداخته اند. از جمله نفوسی که آثار جمال قدم را به خط تحریر مرقوم داشته اند میتوان به آثار خط حضرت عبداله غصن اکبر، غصن اطهر و میرزا آقاخان خادم الله اشاره نمود.

حضرت ولی امر الله در کتاب قرن بدیع درباره نزول و تسوید آثار مبارکه نازله در ایام ادرنه از قول یکی از ناظرین که خود شاهد احوال و اوضاع بوده «چنین نقل مطلب فرموده اند: «... شب و روز آیات چون غیث هائل از سماء مشیت الهی نازل میگردد درجه ای که تسوید آنها ممکن نبود میرزا آقاخان حین نزول به تحریر مشغول و حضرت غصن الله الاعظم پیوسته به تسوید مألوف بودند و آتی فرصت نبود» (۴۸)

و نیز در موضعی دیگر از کتاب قرن بدیع درباره تحریر آیات و تنسیخ الواح جمال قدم به وسیله حضرت عبداله غصن چنین میفرماید: «... جمال اقدس ابهی... وظیفه تحریر آیات و تنسیخ الواح را به عهده آن بزرگوار (حضرت عبداله غصن) واگذار نمودند و بدین ترتیب مراتب ثقه و اطمینان روز افزون خود را نسبت به فرع منشعب از اصل قدیم ابراز داشتند...» (۴۹) و در اثری از جمال قدم درباره تحریر آیات بوسیله غصن اکبر چنین آمده است:

«... یا کاظم در این یوم احد غصن اکبر امام وجه مالک قدر حاضران انطق و هو یحیر...» (۴۰)

تحریر و تسوید آثار نازله اگرچه غالباً در مجاورت وجود اقدس جمال قدم صورت می گرفته اما از شواهد مختلفه چنین برمیآید که در مدت اقامت جناب زین المقرئین در موصل بعضی از آثار مبارکه چه به صورت تنزیل و چه به صورت تحریر برای ایشان به آن مدینه ارسال میشده تا از روی آن نسخه برداری نمایند. (۴۱)

بنابراین روش متداول، تعداد بسیار زیادی از آثار جمال قدم بوسیله جناب زین المقرئین کتابت شده و آثاری که از ایشان باقی مانده از نظر بختگی و خوانائی خط و صحت تسوید از معتبرترین نسخ آثار جمال قدم محسوب میگردد. در این مقام اشاره ای به شرح احوال و مقام خاص جناب زین المقرئین که در تسوید و تحریر آثار جمال قدم نقشی عمده ایفاء نموده اند مفید به نظر میرسد.

زین العابدین نجف آبادی ملقب به «زین المقرئین» در رجب سال ۱۲۳۳ ه ق (می ۱۸۱۸ م) متولد شد و در عهد حضرت رب اعلی به ظهور جدید ایمان یافت و در ایام اقامت جمال قدم در سلیمانیه سفری به بغداد نموده و پس از مدتی اقامت در کر بلاه نجف آباد رجوع نمود. چندی بعد دوباره راهی سفر شد و در ادرنه به حضور

آن حضرت شرف مشول یافت و مأمور تبلیغ در ایران گردید. جناب زین المقرئین پس از چند سال مجدداً به بغداد آمد و در آن مدینه سکنی گزید تا آن که در بلوای سال ۱۲۸۵ ه ق (۱۸۶۸ م) همراه با عده ای دیگر از بهائیان بغداد دستگیر شده به موصل تبعید شد پس از هجده سال اقامت در آن شهر سرانجام در سال ۱۳۰۳ ه ق (۱۸۸۵ م) در عکا ساکن شد و بالاخره به سال ۱۳۲۲ ه ق (۱۹۰۵ م) در مدینه عکا چشم از عالم فرو بست. (۴۲)

زین المقرئین در معارف اسلامی فقیه و در دقائق صرف و نحو زبان عربی مردی بسیار متبحر و بصیر بود. به تاریخ معارف امریابی و آثار نازله در این ظهور صمدانی احاطه کامل داشت و در مراتب فهم و ذکاء و زهد و تقوی از امثال عصر خویش محسوب میگردد. در یکی از الواحی که از قلم جمال قدم خطاب به جناب زین المقرئین عز نزول یافته چنین آمده است: «علیک ان اکتب فی ایام ربک کلها آثار ربک لینشر بک ذکره فی الدیار...» (۴۳)

صدور این قبیل اوامر در آثار نازله خطاب به جناب زین المقرئین سبب گردید که تمام ایام حیات خود را وقف تحریر و تسوید آثار مبارکه نمود و امروز مجموعه های متعددی از الواح جمال قدم بخط ایشان در دست میباشد.

حضرت عبداله غصن که شرح احوال جناب زین المقرئین را در تذکره الوفا مرقوم فرموده اند درباره نحوه کتابت جناب زین المقرئین چنین شهادت داده اند: «... کتب الواح بکمال دقت صحیح مرقوم مینمود...» (۴۴) و در بیانی دیگر از حضرت عبداله غصن درباره صحت نسخه ای از کتاب اقدس که بوسیله جناب زین تسوید شده

چنین آمده است : « کتاب اقدس رابه خط من ادرك لقاء ربه حضرت زين المقرئين عليه بهاء الله تطبيق فمائيد... خط جناب زين صحيح است ». (۴۵)

درین آثار باقیمانده از قدمای احيای الهی که کیفیت تسوید آثار مبارکه را شرح و توضیح داده اند نامه ای در دست است که به ظن بسیار قوی بوسیله میرزا آقای منیب کاشانی خطاب به جناب اسم الله الاصدق مرقوم شده است . در این مکتوب ذکر تسوید کتاب بدیع بعمل آمده که در سال ۱۲۸۳ هـ ق (۱۸۶۶ م) عز نزول یافته و چون صعود جناب منیب در سال ۱۲۸۵ هـ ق (۱۸۶۸ م) اتفاق افتاده بنابراین جای شک نیست که مکتوب مزبور درین سالهای ۱۲۸۳ - ۱۲۸۵ هـ ق برشته تحریر درآمده است . در این نامه درباره کیفیت تسوید کتب بدیع چنین آمده است :

« ... در این ایام سواد آن کلمات الله ( کتاب بدیع ) رسید و امر منیع از ساحت جمال بدیع آن که این فانی ( میرزا آقا ) یک نسخه از آن را بجهت آن حضرت ( جناب اسم الله الاصدق ) ارسال دارم و چون جناب میرزا ابوطالب از مدینه السلام در این روزها عازم شطر طرا بودند و تعجیل بود در نهایت ضیق وقت و عدم فرصت یک نسخه که شامل دوسه خط است اقام یافته مصحوب جناب مذکور ارسال ساحت حضور شد... اکنون این نسخه بدیع مع لوح مبارک ارسال مکمن قدسی خصال شد که آن حضرت به تشنگان سلسبیل معرفت و محبان جمال رب العزة ابلاغ فرمایند و چنانچه ملا محمد علی در آن صفحات تشریف دارند یک سواد بایشان برسانید اگر چه احتمال ضعیفی است و دیگر بشرویه بجهت اخت الباب و یکی بجهت قاین روانه شود و این دو محل لازم ... سواد این عریضه را چون تفصیل بعضی امور ذکر شد بهر ارضی که نسخه بدیع ارسال میشود روانه میفرمایند خصوص در بشرویه خدمت اخت الباب علیها بهاء الله و در قاین خدمت جناب آقا میرزا علی و جناب آقا میرزا محمد باقر اخوی ایشان ... دیگر آقا زاده میرزا علی محمد را بجدیبات روحیه موقد فرمایند و عرض حقیر بایشان آن است که اهتمام نموده و نسخه از این کلمات بدیع فارسی تمام نمایند یکی بجهت بشرویه و یکی بجهت قاین و سواد این عریضه را هم چون تفصیل این کلمات مبارکه را نوشته ام ارسال فرمائید ... عبد ذلیل میرزا آقا ». (۴۶)

در خصوص تسوید آثار مبارکه بوسیله نفوسی دیگر از احيای دوره جمال قدم نیز اشاراتی در آثار آن حضرت موجود است مثلاً در لوحی چنین میفرمایند : « ... از قلم اعلی در این ایام نازل شده آنچه مدلل بر علو قدروسو مقام مستشهدین بوده ، بعضی از آن رابه اسم مهدی ( سید مهدی دهجی ) امر نمودیم نوشته ارسال دارد ... ». (۴۷)

سوم - الواح نازله به نام وامضای دیگران

قسمت سوم از آثار جمال قدم انتهائی است که از فم جمال قدم عز صدور یافته ولی به نام وامضاء دیگران نظیر محمد علی غصن اکبر و میرزا آقا جان خادم الله برای مخاطبین ارسال شده است . کثرت آثاری از این نوع که به نام و تحت امضای خادم الله است توجه به شخصیت او و اهمیت خاص این آثار را ایجاب مینماید . میرزا آقا جان خادم الله اصلاً اهل کاشان بود و در آن شهر به شرع حضرت باب ایمان یافته در بغداد به حضور جمال قدم مشرف شد و مطابق تصریح حضرت ولی امر الله در کتاب قرن بدیع اول من آمن به ظهور جدید محسوب گشت . (۴۸) میرزا آقا جان از دوره اقامت جمال قدم در بغداد کاتب مراسلات آن حضرت گردید و بر این سمت در ایام ادرنه و عکا همچنان باقی ماند . در آثار جمال قدم از میرزا آقا جان تحت عنوان « خادم » ، « خادم الله » ، « کاتب وحی » و « عبد حاضر » یاد شده و آثاری که به نام وامضای او عز نزول یافته با عناوینی نظیر « آقا جان خ ا د م ۶۶ » و « خ ا د م » به امضاء رسیده است .

میرزا آقا جان در سنین اولی که بعد از صعود جمال اقدس ابهی در بیت حضرت عبدالبهاء در عکا زندگی میکرد تا آن که در سنه ۱۳۱۴ هـ ق (۱۸۹۶) به اغوای ناقضین مبتلا گردیده از آن حضرت دوری گزید و در بهجی ساکن شد و سرانجام در حالت گوشه گیری و انزوا به تاریخ ۲۹ محرم ۱۳۱۹ هـ ق (۱۹ می ۱۹۰۱ م)

در عکاشم از جهان بریست و در قبرستان ابو عبته به خاک سپرده شد . (۴۹) درباره حالات و عاقبت ایام حیات او حضرت عبدالبهاء در لوح جناب ورقا اشاره ای مجمل فرموده اند و عین بیان مبارک در آن لوح چنین است : «... در خصوص جناب خادم مرقوم نموده بودید لیس لاحد ان یتکلم بحقه شیئا و علی الکمل ان یشتعلوا بنار محبة الله ...» . (۵۰)

آثار جمال اقدس ابهی که بوسیله خادم الله تحریر و کتابت گشته به سه صورت است:

اول - آثاری از قلم جمال قدم نازل گشته و سپس بخط میرزا آقاخان خادم الله تسوید و کتابت شده است .

دوم - آثاری از جمال قدم که به میرزا آقاخان املاء فرموده اند و بخط تنزیل سریعاً مرقوم نموده و سپس

آنها را تسوید کرده است .

سوم - آثاری از جمال قدم که هر چند از اوّل تا آخر از قلم جمال قدم عزّزول یافته اما به امضای میرزا آقاخان به اطراف ارسال شده است . در این قسم از آثار گوئی خادم الله است که شخصاً و مستقیماً به تحریر اثر پرداخته و در ضمن، بیانات جمال قدم را پس از درج عباراتی نظیر «در این حین لسان عظمت چنین ناطق ...» نقل نموده، چه در غالب این آثار بر حسب ظاهر شاهدی که دالّ بر نزول مستقیم آنها از قلم جمال قدم باشد در متن اثر وجود ندارد .

مطلبی که مخصوصاً مورد توجه مادر این مقام خواهد بود بررسی و مطالعه اجمالی این قسم اخیر از آثار جمال قدم است که امروزه امضای خادم الله در دست میباشد .

تا آنجا که بر این عید معلوم است علت نزول بعضی از آثار جمال قدم به نام امضای میرزا آقاخان خادم الله در الواح حضرت بهاء الله به تفصیل شرح و بسط نیافته اما از قرائن چنین برمیآید که از ایام اقامت جمال قدم در عراق نظریه علو امر الله و حفظ و اعلاء کلمة الله جمال قدم حکمت و مصلحت را در آن دیده اند که میرزا آقاخان خادم الله به بسیاری از عرایض اجباء از طرف جمال قدم پاسخ گوید و مکاتیب صادره را با تصویب و تأیید جمال قدم به نام خود امضاء نماید . البته میتوان پنداشت که بسیاری از باران نیز عرایض خود را محض حیا و رعایت ادب خطاب به میرزا آقاخان مرقوم میداشته اند تا مفاد آنرا بعرض جمال قدم برسانند . در این موارد جواب عرائض واصله به القاء جمال قدم ولی بامضاء خادم الله برای عریضه دهندگان ارسال میشده است . هم چنین برای بعضی از احبائی که سئوالاتی در زمینه مسائل تاریخی ، فقهی ، اعتقادی و از این قبیل داشته اند ، آسانتر بوده است که سئوالات و مسائل شخصی و خصوصی خود را بجای رجوع مستقیم به مظهر امر الهی بی پرده و به واسطه میرزا آقاخان خادم الله در میان گذارند ، و جواب آنها را من غیر مستقیم از جمال قدم طلب نمایند . شاید در توجیه علل و اسباب آثار نازله به امضای خادم الله میتوان این نکته را نیز اضافه نمود که برای توضیح و عرضه بعضی مطالب و نکات ، حکمت و شرایط جاری چنین اقتضای نموده است که از امکانات خاص زمانی که نزدیکتر به اوضاع و احوال روزمره و شرایط عادی حیات ناسوتی است استفاده شود و در این موارد قالب زبان آشنا و خودمانی خادم الله وسیله انتقال این مطالب گردد .

با ورود جمال قدم به عکا (جمادی الاولی ۱۲۸۵ هـ ق / اگست ۱۸۶۸) هویت بهائی و جامعه منتسبین به حضرت بهاء الله شروع به توسعه و گسترش وسیع یافت و بر عدد مؤمنین و مکاتبات ایشان با مرکز امر الهی افزوده شد و شرائط حاصله بتدریج سبب گردید که میرزا آقاخان خادم الله بطور روزافزون به عرضه عرائض به حضور جمال قدم و ارسال اجوبه آنها مشغول گردد . رعشه دست جمال قدم که در اثر مسمومیت درآدرنه حاصل شده بود نیز ممکن است در احاله هرچه بیشتر امور مکاتبات به خادم الله نقشی موثر ایفاء نموده باشد . چنانچه جمال قدم خود در لوحی چنین میفرماید: «... قل ان سمّ المشرکین قد نفذ فی انامل القدس و منعها عن التحریر و ماجری من قلمی علی ما اقول شهید...» . (۵۱) درباره کیفیت نزول آثار مبارکه به نام امضای خادم الله در آثار جمال قدم شاهد عیدیده در دست است . ملاحظه بعضی از این آثار که در زیر نقل میگردد اطراف و جوانب نزول این قبیل آثار را تا حدودی روشن میسازد .

از جمله دل‌رویی به امضاء خادم‌الله که به تاریخ ۱۵ شعبان سنه ۱۳۰۱ هـ ق. - ۱۰ جون ۱۸۸۴ م) مورخ است چنین آمده است .

« ... در آیام شداد آیامی که ظلمت ظلم جمیع بلاد را احاطه نموده بود در لیالی و آیام در اعلاء کلمه و ارتفاع امر الله مشغول بشانی که والله الذی لا اله الا هو این فانی مجال نوم ویا اکل نمی یافت از اول لیل لسان عظمت ناطق و این عبد در حضوریت تحریر مشغول مائده سمانیه بشانی نازل که در بعضی از شبها فجر طالع و امر با حضار طعام نفرموده و همچنین در بعضی از آیام شب و روز لسان عظمت ناطق لاجل هدایت عباد تا آنکه در اطراف فی الجمله نوری ظاهر و در هر بلدی معدودی باسم حقّ جلّ جلاله بحیوة تازه بدیعه فائز ... » (۵۲).

و در اثری دیگر که به امضاء خادم‌الله و به تاریخ ۴ محرم سنه ۱۳۰۱ هـ ق (۵ نوامبر ۱۸۸۳ م) مورخ است از کثرت مکاتبات و کیفیت تحریر و تسوید آثار مبارکه چنین سخن به میان آمده است :

« ... از جمیع جهات متواتراً نامه میرسید و همچنین عرایض و بایدها این عبد در حضور تحریر نماید و بعد صورت الواح مبارکه را بردارد و همچنین جوابهای اطراف را معروض دارد باقی معلوم و واضح فی الحقیقه اگر عنایت حقّ نباشد ابداً از این فانی این خدمت بر نیاید ... » (۵۳).

در آثار دیگری از جمال‌قدم که به امضای خادم‌الله موجود است شرائط و جنبه های مختلفه دیگری از کیفیت نزول این قبیل آثار جلب نظر مینماید . مثلاً هیجانان ناشی از تجلی وحی و خوف و فرحی که در حین ثبت آثار وجود خادم‌الله مستولی گشته در اثری به امضای او که به تاریخ ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۰۰ هـ ق (۷ مارچ ۱۸۸۳ م) مورخ است چنین توصیف شده است :

« ... در آن حین جمال قدم به بیت دیگر توجه فرمودند و بعد از حضور و ورود این عبد قال جلت عنایت یا خادم فأت بقلم و ورق دیگر این خادم عاجز است از ذکر اینکه از ملکوت بیان چه اصفا نمود قسم به جمال مقصود و سلطان غیب و شهود که در اکثر احیان حین تنزیل این عبد افرح و حزن بشانی احاطه مینماید که جز حقّ تعالی شأنه بر مقدار آن آگاه نه فرح از اصغاء الحان بدیعه منیعه حقّ جلّ جلاله و اما حزن از خوف آنکه مبادا آیات ترک شود و قوه حافظه از حفظ آن عاجز ماند و نفس الحق اگر قطره قادر است از عهده ذکر امواج بحر کما هی هی برآید این عبدهم قادر ... » (۵۴).

آثار جمال اقدس ابهی که به نام و امضای خادم‌الله برای اهل بهاء نازل و ارسال گشته از نظر اشتغال بر خطب فصیح و رشیکه ، ادعیه مبارکه ، و تنوع مطالب و مسائل مطروحه در آنها از غنای خاص برخوردار است . در این قسم از آثار جمال‌قدم سئوالات عدیده مؤمنین در زمینه ده ها مسئله فقهی ، مذهبی ، عرفانی ، فلسفی و غیره پاسخ داده شده ، بسیاری از اقوال و اشعار و مراتب الامثال عربی و فارسی نقل و به آنها استشهاد شده ، کشیری از نکات و مواضع تاریخی در این الواح شرح و بسط یافته و بالاخره از نظر مطالعه جریانات فکری و حوادث و رویدادهای مهمه در جوامع بهائی دوره جمال قدم ، این قسم از آثار مبارکه اهمیّت خاص دارد . (۵۵) در عین حال در مقایسه با آثار دیگر جمال قدم ، الواح و مکاتیبی که به نام خادم‌الله در دست است از حیث کمیّت نیز در خور اهمیّت و فیر است چه بسیاری از این گونه آثار صفحات عدیده را دربر گرفته است . بعنوان مثال یکی از این مکاتیب که به تاریخ ۴ ربیع الثانی سنه ۱۳۰۲ هـ ق (۲۱ ژانویه ۱۸۸۵ م) مورخ است و خطاب به جناب سمندر عزّ نزول یافته بیست صفحه ( صفحه ۲۰۶ - ۲۲۶ ) از کتاب مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء الله عکسبرداری شده از روی خطّ علی اشرف لاهیجانی (عندلیب) رابه خود اختصاص داده است . تعدادی از این قسم از آثار جمال قدم در کتاب فوق الذکر و نیز در مجلدات ششم و هفتم کتاب آثار قلم اعلی به طبع رسیده است .

نکته ای که در این مقام حائز شرح و توضیح مخصوص است آن که نزول این قبیل آثار به نام و امضای خادم‌الله سبب تولید این شبهه در بین بعضی از احبای آن دوره گردید که خادم‌الله خود شخصاً به نوشتن این

مکاتیب مبادرت نموده و در ضمن آنها کلمات جمال قدم رانیز نقل کرده است .  
 آنچه بدیهی است آن است که اهل درک و بصیرت که باشم آثار جمال قدم آشنائی داشته اند در این مطلب شك نکرده اند که آثار مکتوب بنام و امضای خادم الله کلاً از جمال اقدس ابهی است که به امروراده هیکل اطهر بر حسب ظاهر بنام او به اطراف ارسال گردیده است . چنانچه کسی مانند جناب شیخ کاظم سمندر که از اعظام احبای عصر خویش محسوب بوده صریحاً به این مطلب تصریح نموده است که « ... آثاری که حسب الامر ابهی حضرت خادم بخط خود مرقوم داشته اصل کلمات تمام از جمال قدم است از زبان خادم فرموده اند چنانکه کتاب بدیع راز لسان یکی از طائفین نازل فرموده اند... » . ( ۵۶ ) معذالک برای آن که ابداً شبهه ای در باره انتساب این آثار به شخص میرزا آقا جان خادم الله باقی نماند حضرت عبدالبهاء به میرزا آقا جان خادم الله امر فرمودند که حقیقت مطلب و کیفیت نزول و تسوید آثار صادره تحت نام و امضای خادم الله را به خط و امضای خود مرقوم دارد . میرزا آقا جان نیز شرحی میسوط در این باره نوشت که متن آن چنین است : « ... امری که اظهار آن از اعظم امور و اهم آنست آن که این خادم کلمه استماع نمود که بعضی از اولیای اطراف همچو گمان نموده اند مراسلاتی که باسم این عبد نزد ایشان و سایر دوستان ارسال شده العیاذ باللله مشترک بوده یعنی آنچه از لسان حق جل جلاله نوشته شده از حق بوده و عنوان نامه از نقطه بسم ربنا و خطبه و مناجات تا به مقامی که میرسد » قصد افاق اعلی و ذروره علیان بوده امام وجه مالک اسماء بعز اصفا قانز و در جواب این کلمات عالیات از مصدر آیات نازل قوله جل جلاله و عم نواله « این فقرات از این عید بوده استغفر الله عن هذا الشرك العظيم کجا اخرس قادر بر آنست امام ملکوت بیان نطق نماید سبحان ربی من ان اکون من المشرکین و همچنین بعد از کلمه انتهی فقراتی که ثبت شده تمام از حق جل جلاله بوده مختصر عرض مینمایم اینکه حرفی از این عید نبوده کلها نزدک من ملکوت الله ربی ورب من فی السموات و الارضین در جمیع اوقات مکاتیبی که باسم این عید بوده در ساحت امنع اقدس بعد از آن عرض میشد و بعد امر میفرمودند بگیر قلم را و جمیع اجوبه من البدایة الی النهایة از قم مبارک نازل و ثبت میگشت و این نه اختصاص باین عید داشته بلکه مکرر از لسان عظمت بلسان طائفین و بعضی از اطراف نازل شده آنچه که کتاب مبین بوده از برای عالمین . حال باید جمیع رحم بر خود و امر الله نمائیم تا کلمه به میان نیاید که مجدداً اساس شرک تازه شود در ارض اعادنا لله و ایاکم یا معشر الموحدین من هذه الظنون و الاوهام ما کنتم انا الا عبید کاتب بین یدیه و الناطق هوالله ربی المتکلم المنزل العظیم القدیم البهاء و الذکر و الثناء علیکم یا اهل البهاء و اصحاب السفینة الحمراء و الحمد لله رب العرش و الثری و مالک الآخرة و الا ولی خ ا د م فی ۴ ذی الحجة الحرام سنة ۱۳۰۹ هـ . ( ۵۷ )

### یادداشت ها

- ۱ - برای ملاحظه آیاتی از کتاب مستطاب اقدس که کلمه و وحی بدر آنها مذکور شده به صفحات ۲ ، ۷ ، ۱۷ ، ۴۶ ، ۶۱ ، ۶۴ ، ۶۶ ، ۱۰۸ ، ۱۱۵ ، ۱۲۴ ، ۱۴۱ و ۱۴۸ کتاب مستطاب اقدس (قطع کوچک، بدون نام ناشر و تاریخ ) مراجعه فرمائید .
- ۲ - حضرت بهاء الله ، لثالی الحکمة ( ریود و ژانیرو : دار النشر البهائیه ، ۱۹۹۱ م ) ج ۳ ، ص ۹۲ .
- ۳ - مأخذ فوق ، ص ۹۵ .
- ۴ - عبدالحمید اشراق خاوری ، رحیق مختوم (طهران : مؤسسه ملی مطبوعات ۱۳۱ ب) . ج ۲ ، ص ۶۱۴ .
- ۵ - عبدالحمید اشراق خاوری ، مانده آسمانی (طهران : مؤسسه ملی مطبوعات ، ۱۲۹ ب) . ج ۴ ، ص ۹۲ - ۹۳ .
- ۶ - حضرت بهاء الله ، مجموعه الواح مبارکه ( قاهره : سعادت ، ۱۹۲۰ م ) ، ص ۲۱۳ .
- ۷ - مأخذ فوق ص ۱۹۲ .
- ۸ - حضرت بهاء الله ، آثار قلم اعلی (طهران : مؤسسه ملی مطبوعات ، ۱۳۳ ب) ج ۴ ص ۱۵ .

- ۹- لثالی الحکمة ، ج ۳ ، ص ۱۱۵ ، ونیز نگاه کنید به لوح مندرج در کتاب آثار قلم اعلی (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات ، ۱۳۱۰ ب) ، ج ۵ ، ص ۲۶- ۲۷
- ۱۰- حضرت بهاء الله ، مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده (لانگنهاین : لجنة نشر آثار ، ۱۳۷۰ ب ، ص ۱۰۷) . برای ملاحظه لوحی از جمال مبارک در شرح فضائل وقوای موجود در کلمه الله به لوح مندرج در ابتدای مجله اخبار امری ، سال ۴۱ ، شماره ۱۲ ( اسفند ۱۳۴۱ هـ ش ) مراجعه فرمائید .
- ۱۱- حضرت بهاء الله ، مجموعه آثار قلم اعلی (طهران : لجنة ملی محفظة آثار ، ۱۳۳۳ ب) . شماره ۲۸ ، ص ۳۷۶ .
- ۱۲- فاضل یزدی ، مناهج الاحکام (طهران : لجنة ملی محفظة آثار ، ۱۳۲۲ ب) شماره ۵ ، ص ۳۰ .
- ۱۳- حضرت عبدالبهاء ، مفاوضات (لیدن : بریل ، ۱۹۰۸ م) ، ص ۶۶ . برای ملاحظه نصوص دیگری در این خصوص به صفحات ۱۱۷- ۱۱۸ و ۱۶۵- ۱۶۶ کتاب مفاوضات و صفحه ۳۶ کتاب امروخلق (لانگنهاین : لجنة نشر آثار ۱۹۸۵ م) ، ج ۲ اثر جناب فاضل مازندرانی مراجعه فرمائید .
- ۱۴- شاید اشاره حضرت بهاء الله به شرح مندرج در کتاب علامه مجلسی مسمی به حیوة القلوب (طهران : جاویدان ، بی تاریخ ، ج ۲ ، ص ۴۰۷- ۴۱۲) باشد که شرح غزوة بنی قریظه را به تفصیل آورده است . بنی قریظه قبیله ای از یهود بودند که ابتدا در خیبر و بعد در قلعه حصیه در نزدیکی مدینه اقامت نمودند و در غزوة موسوم به غزوة بنی قریظه که در سال پنجم هجری روی داد به پیشنهاد سعد بن معاذ و تأیید پیشمیر همه مردان قبیله کشته شدند و زنان و اطفالشان به اسارت مسلمان درآمدند .
- ۱۵- اسدالله فاضل مازندرانی ، اسرارالآثار (طهران : مؤسسه ملی مطبوعات ، ۱۳۴۴ ب) ، ج ۲ ، ص ۱۷- ۱۸ .
- ۱۶- حضرت ولی امرالله در توثیح مورخ نوروز ۱۱۰ بدیع چنین میفرمایند : «... افتتاح عهد مشتمع جمال لایزالی غره محرم الحرام سنه هزار و دوست و شصت و نه از حضرت رسول اکرم علیه الصلوات و السَّلَام است . پس از انقضای دو ماه از دخول مظلوم عالم در سجن اکبر مظلم در ارض طاء ... » (توثیحات مبارکه ۱۰۹- ۱۱۴ ، طهران : مؤسسه ملی مطبوعات ، ۱۱۹ ب ، ص ۳۹) . حضرت بهاء الله در ذی القعدة ۱۲۶۸ هـ ق در سیاه چال محبوس شدند پس از انقضای چهار ماه یعنی در آرفسفر ۱۲۶۹ هـ ق از زندان رهائی یافتند .
- ۱۷- حضرت بهاء الله لوح مبارک خطاب به شیخ محمد تقی مجتهداصفهانی معروف به نجفی (لانگنهاین : لجنة نشر آثار ، ۱۳۸۰ ب) ص ۱۵- ۱۶ .
- ۱۸- این لوح از لسان میرزا آقاخان خادم الله عزّ نزل یافته و به این عبارت مصدر است : «قد تشرکت الحادیم بکتایبکم الذی ارسلته من المیم ... » .
- ۱۹- این لوح در ربیع الاول سال ۱۲۹۱ هـ ق (آوریل ۱۸۷۴ م) به اعزاز جناب شمس العلماء در نیشابور عزّ نزل یافته است .
- ۲۰- حضرت بهاء الله ، ادعیه حضرت محبوب (قاهره : فرج الله ذکی الکردی ، ۱۳۳۹ هـ ق) ، ص ۱۰۹- ۱۱۰ .
- ۲۱- آثار قلم اعلی - کتاب مبین (۱۲۱ ب) ، ج ۱ ، ص ۴ .
- ۲۲- عبدالحمید اشراق خاوری ، قاموس ایقان (طهران : مؤسسه ملی مطبوعات ، ۱۳۲۷ ب) ، ج ۱ ، ص ۵۰۰ .
- ۲۳- مفاوضات ، ص ۱۰۹ .
- ۲۴- مجموعه الواح مبارکه ، ص ۳۳۴ .
- ۲۵- برای ملاحظه نصوص مبارکه در این خصوص لطفاً به مقاله «طبقه بندی آثار مبارکه حضرت بهاء الله» در همین کتاب مراجعه فرمائید . دلوحی از جمالقدم که به تاریخ ۱۰ صفر ۱۳۰۰ هـ ق (۲۱ دسامبر ۱۸۸۲ م) مورخ و به امضای میرزا آقاخان خادم الله عزّ صدور یافته چنین مذکور است : «... چه بسا میشود در یک روز عدد اربعین او خستین او از پیدا و اقل عرایض و مراسلات باهدر ساحت اتمع اقدس عرض کنم و جواب از مصدر امر نوشته ارسال دارم ... » (این لوح که با عبارت « سبحان من زین العالم بطراز العلم والعرفان ... » آغاز میشود تحت شماره ۱۰۰۸۰ در مجموعه الواح متعلق به لجنة ملی محفظة آثار امری ایران موجود میباشد) .
- ۲۶- حضرت ولی امرالله ، کتاب قرن بدیع (دانداس : مؤسسه معارف بهائی ، ۱۹۹۲ م) ، ص ۲۸۴- ۲۸۵ .
- ۲۷- امضاء « المنزول من الها قبل سین » از جمله بخط جمالقدم در انتهای نسخه ای از کتاب جواهر الاسرار که به خط جناب منیر منیب کاشانی کتابت شده به چشم میخورد . این کتاب در ۵۵ صفحه تحت شماره ۹۹ در سال ۱۳۳۳ بدیع بوسیله لجنة ملی محفظة آثار امری ایران در طهران نشر گردیده است . برای ملاحظه قصّ بعضی از مهرهای حضرت بهاء الله به ابتدای کتاب عالم بهائی ، جلد پنجم و هفتم مراجعه فرمائید .
- ۲۸- قصّ این دومهر در کتاب آقای محمدعلی ملک خسروی موسوم به اقلیم نور (طهران : مؤسسه ملی مطبوعات ، ۱۱۸ ب) ، ص ۲۵۳ ، به طبع رسیده است . در توصیف مهر اول جناب ملک خسروی چنین مرقوم فرموده اند : « مهر مبارک ۴ گوش به سال ۱۲۵۱ هجری قمری » و در وصف مهر دوم چنین آمده است : « مهر مبارک ۴ گوش ۱۲۵۷ الی ۱۲۶۱ هجری قمری » . در این کتاب نصّ مهرسومی نیز به طبع رسیده که متن نوشته آن

عین متن مهر دوم است و جناب ملک خسروی آن را چنین وصف نموده اند : «مهر مبارک ۴ گوش ۱۲۶۲ الی ۱۲۶۴ هجری قمری . از توصیف جناب ملک خسروی چنین پیداست که هر یک از ازمهار ثلاثة فوق درستین خاصی مورد استفاده قرار گرفته است .

- ۲۹ - حضرت بهاء الله ، کتاب مستطاب اقدس ، ص ۱۱۹ .
- ۳۰ - آثار قلم اعلی ، ج ۴ ، ص ۱۱۰ .
- ۳۱ - مجموعه الواح مبارکه ، ص ۱۷۵ .
- ۳۲ - برای ملاحظه نصوص مبارکه در شرح این موضوع به کتاب اسرار الآثار ( ۱۲۹ ب ) ، ح ۴ ص ۹۱ - ۹۳ و مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء الله عکسبرده‌ای شده از روی خط علی اشرف لاهیجانی ( عندلیب ) ( طهران : مؤسسه ملی مطبوعات ، ۱۳۲ ب ) . ص ۵۵ مراجعه فرمائید .
- ۳۳ - برای ملاحظه نصوصی که این نکات از آنها استخراج شده به کتاب اسرار الآثار ، ج ۴ ، ص ۸۹ - ۹۱ مراجعه فرمائید . قسمتی از لوح منلوح در کتاب اسرار الآثار در کتاب مانده آسمانی ( ۱۲۸ بدیع ) ، ج ۱ ، ص ۸ - ۱۰ نیز آمده است .
- ۳۴ - اسرار الآثار ، ج ۴ ، ص ۹۲ - ۹۳ .
- ۳۵ - حضرت بهاء الله دلوحی چنین میفرماید : «... در کل احوال به حکمت ناظر باشید و ناس را به حکمت محضه دعوت کنید چه که ضعیفند و از واز مطلع وحی الهی و مشرق ظهور ربانی غافل و بی خبرند اگر امری مشاهده نمایند و به حقیقت آن پی نبرند البته اجتناب نمایند... » ( لثالی الحکمة ، ج ۳ ، ص ۲۵۸ ) .
- ۳۶ - برای ملاحظه نمونه ای از آثار نازله به خط جمال قدم به ابتدای کتاب عالم بهائی جلد چهاردهم و ابتدای کتاب محبوب عالم (کانادا : عندلیب ، ۱۹۹۲م) مراجعه فرمائید .
- ۳۷ - درباره این خطوط دلوحی از جمال قدم چنین مذکور است : «... جواب سئوالات به خط تنزیل و خط تحریر ارسال شد انشاء الله عرف الله را از کلماتش بیابید... » ( حضرت بهاء الله ، مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء الله عکسبرداری شده از روی خط علی اشرف لاهیجانی ( عندلیب ) ، ص ۵۸ ) . ۳۸ - کتاب بدیع ، ص ۳۴۶ .
- ۳۹ - کتاب قرن بدیع ، ص ۴۷۷ .
- ۴۰ - لثالی الحکمة ، ج ۳ ، ص ۲۴۶ .
- ۴۱ - دلوحی از جمال قدم که بتاريخ ۲۷ رجب ۱۲۹۳ هـ ق ( ۱۸ اگست ۱۸۷۶ م ) مورخ و به امضای میرزا آقاخان خادم الله عز صدور یافته چنین مذکور است : «... از قبل به جناب زین المقرین علیه بهاء الله نوشته شد که شروع در تحریر آیات الله نمایند و همچنین در اینجا ( عگا ) هم به بعضی گفته شد و در تحریر مشغولند و لکن چون کاتب معین سریع القلم در اینجا بافت نمیشود اگر قدری بطول انجامد بآسی نه... » ( حضرت بهاء الله ، مجموعه آثار قلم اعلی ، طهران : لجنة ملی محفوظه آثار ، ۱۳۲ ب ، شماره ۱۹ ، ص ۲۱۳ ) .
- ۴۲ - برای ملاحظه شرح احوال جناب زین المقرین میتوان به مآخذ زیر رجوع نمود :
- الف - حضرت عبدالبهاء ، تذکره الوفا ( حيفا : عباسیه ، ۱۹۲۴م ) ، ص ۲۳۰ - ۲۳۵ .
- ب - اسدالله فاضل مازندرانی ، ظهور الحق ( طهران : مؤسسه ملی مطبوعات ، ۱۳۲ ب ) ، ج ۸ ، ص ۱۱۱۵ .
- ج - عزیز الله سلیمانی ، مصابیح هدایت ( طهران : مؤسسه ملی مطبوعات ، ۱۱۸ ب ) ، ج ۵ ص ۴۱۲ .
- د - شیخ کاظم سمندر قزوینی ، تاریخ سمندر وملحقات ( طهران : مؤسسه ملی مطبوعات ، ۱۳۱ ب ) ، ص ۲۵۵ - ۲۵۶ .
- ۴۳ - اسرار الآثار ، ج ۴ ، ص ۸۸ .
- ۴۴ - تذکره الوفاء ، ص ۲۳۴ - ۲۳۵ .
- ۴۵ - اسرار الآثار ، ج ۱ ، ص ۱۶۳ .
- ۴۶ - رحیق مختوم ، ج ۲ ، ص ۳۴۱ - ۳۴۲ .
- ۴۷ - لثالی الحکمة ، ج ۳ ، ص ۲۵۳ - ۲۵۴ .
- ۴۸ - کتاب قرن بدیع ، ص ۲۴۳ .
- ۴۹ - برای ملاحظه شرح احوال میرزا آقاخان خادم الله میتوان به مراجع ذیل مراجعه نمود :
- الف - اسرار الآثار ( ۱۲۸ ب ) ، ج ۳ ، ص ۱۷۰ - ۱۹۶ و ج ۵ ، ص ۱۹۴ - ۱۹۶ .
- ب - رحیق مختوم ( ۱۳۰ ب ) ، ج ۱ ، ص ۵۲۸ - ۵۳۱ .



- ج - حبیب مؤید ، خاطرات حبیب ( طهران : مؤسسه ملی مطبوعات ، ۱۱۸ ب ) ، ج ۱ ص ۲۳۷ .
- د - یونس خان افروخته ، خاطرات نه ساله عگا ( لوس آنجلس : کلمات پرس ، ۱۹۸۳ م ) ، ص ۵۵ - ۵۶ ، ۷۹ - ۹۱ .
- ۵۰ - اسرار الآثار ، ج ۳ ، ص ۱۹۶ .
- ۵۱ - مائده آسمانی ( ۱۲۹ ب ) ، ج ۸ ص ۱۲۶ .
- ۵۲ - آثار قلم اعلیٰ ( ۱۳۲ ب ) ، ج ۶ ، ص ۲۲۴ .
- ۵۳ - آثار قلم اعلیٰ ، ج ۶ ص ۸۹ .
- ۵۴ - حضرت بهاء الله ، مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء الله عکسبرداری شده از روی خطّ علی اشرف لاهیجانی ( عندلیب ) ، ص ۱۶۰ .
- ۵۵ - درباره اهمیت الواح نازل به امضای میرزا آقاخان خادم الله از جمله دلوحی چنین آمده است : « ... جمیع ناس قدرلوح الهی راندا نسته و غیداننلواز ادراک ظاهرآن عاجزندتاچه رسدبه باطن و به شأنی هم آیات و بیّنات و الواح نازل و ظاهر و ارسال شده که احصای آن امری است بسیارمشکل حال باید بعضی از الواح عربی و فارسی که خارق ظنون و اوهام است جمع نمود از جمله مکتوبات عبدحاضرکه به طراز بیان رحمن مزین است بسیار بکار میآید چه که ازهرقبیل دراو آیات و بیانات الهی نازل باید جمع نمود ... » ( حضرت بهاء الله ، مجموعه آثارقلم اعلیٰ ، طهران : لجنة ملی محفوظه آثار ، ۱۳۲ ب ، شماره ۷ ، ص ۱۴۸ ) .
- ۵۶ - شیخ کاظم سمندر قزوینی ، تاریخ سمندر و ملحقات ، ص ۱۴۷ .
- ۵۷ - عبدالحمید اشراق خاوری ، محاضرات ( لانگنهاين : لجنة نشر آثار ، ۱۴۳ ب ) ، ص ۴۴۸ - ۴۴۹ . درباره این متن حضرت عبدالبهاء دربیانات شفاهیة خود به سال ۱۹۱۹ م چنین میفرماید : « ... آخرالامر به خطّ خودش نوشت به ایران که جمیع مطالبی که ازقول من نوشته شد ازبیانات جمال مبارک است ... » ( اسرار الآثار ، ج ۳ ، ص ۱۹۵ ) .



دلدادگان جمال اقدس ابهی از ۲۰۰ کشور جهان درطواف کعبه مقصود شب ۲۳ می ۱۹۹۳ (هفتادم نوروز)